

بازگشت به علم



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

فقه خانواده

عنوان:

بررسی فقهی قلمرو ولایت زوج بر همسر و فرزندان

استاد راهنما:

دکتر حمیده عبداللهی

نگارنده:

لیلا رجایی

زمستان ۱۳۹۴

تقدیم به:

ساحت مقدس پیامبر خوبی‌ها حضرت محمد مصطفی (ص) و اهل بیت پاک ایشان خصوصاً گل سر سبد عالم امکان دردانه‌ی هستی حضرت بقیه الله الاعظم (عج) که جهان منتظر قدم مقدس ایشان است و همچنین تقدیم به روان پاک حضرت امام خمینی (ره) و شهدای عزیز که عزت و ایمان ما مدیون خون پاک آنان است و همچنین ولی نعمت‌مان کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه‌ی معصومه (س)

يا فاطمة المعصومة اشفعي لنا في الجنة فان لك شأنا من الشأن

تقدیر و تشکر:

مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید:

«من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً»

هر کس به من حرفی بیاموزد مرا بنده خویش کرده است.

سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان حق او را گذاردن نتوانند.

برحسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ"، بهترین سپاس‌ها و قدردانی‌ها نثار مادر عزیزم که همواره بر کوتاهی و درستی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت‌هایم گذشته‌اند و در تمام عرصه‌های زندگی یار و یابوری بی چشمداشت برای من بوده‌اند؛ پدرم عزیزم که در زمان حیاتشان ما را به علم آموزی همراه با معرفت همواره تشویق می‌کردند و همسر مهربانم که در تمامی مراحل نگارش پایان نامه با دلگرمی‌های خود همراه و مشوقم بودند؛

و از استاد محترم و شایسته، سرکار خانم دکتر حمیده عبداللهی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی‌رسید، کمال تشکر و قدردانی رادارم.

چکیده

خانواده به مفهوم محدود آن عبارتست از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنها، آن را تکمیل می کنند. تعریف دیگری خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می داند که با هدف و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می آیند. این مجموعه مانند هر مجموعه ی دیگری باید مدیر و سرپرست داشته باشد. خداوند به خاطر ویژگی خاصی که در مرد وجود دارد آن را به وی واگذار کرده است. در فقه به این سرپرستی، ولایت اطلاق می شود. البته استعمال این واژه در فقه برای فرزندان است و در مورد زن ولایت به کار نرفته و قوامیت و ریاست اطلاق شده است و در عنوان پایان نامه هم تسامحا لفظ ولایت برای همسر به کار رفته است با توجه به اهمیت موضوع، در این تحقیق سعی کردیم به سؤالاتی چون مستندات فقهی، حدود ولایت و ریاست پدر بر فرزندان و شرایط ولایت و اینکه در چه مواقعی اسقاط می شود پاسخ دهیم. با بررسی موضوع به نتایج مهمی رسیدیم از جمله این که مهم ترین مبنای قوامیت و ریاست شوهر بر زن آیه ۳۴ سوره نساء می باشد که لفظ قوام از این آیه گرفته شده است. و همچنین مرد در انجام واجبات بر زن ولایت ندارد و فقط در انجام مستحبات و اموری مانند خروج از منزل، اشتغال و سفر، به اذن شوهر نیاز دارد یعنی قلمرو ریاست مرد محدود به این امور است. و این نیز به خاطر ریاست مرد و حق استمتاعی است که نسبت به زن دارد. ولی زن در امور مالی استقلال دارد. دستاورد مهم دیگری که در این تحقیق به آن رسیدیم این است که قلمرو ریاست مرد بر زن محدودتر از ولایت پدر بر فرزند در حالت حجر است زیرا فرزند محجور از همه ی جهات از جمله امور مالی و غیر مالی چون ازدواج به ولایت پدر احتیاج دارد و مطلب مهم دیگر ولایت بر نکاح باکره ی رشیده است که بین فقها اختلاف وجود دارد. روش جمع آوری مطالب در این پژوهش استفاده از کتب و مقالات و نرم افزارهای فقهی حدیثی می باشد.

واژگان کلیدی: ولایت، ریاست، قوامیت، زوج، زوجه، فرزندان، خانواده.

فهرست مطالب

- مقدمه ۱
- سؤالات تحقیق: ۱
- سؤال اصلی: ۱
- سؤالات فرعی: ۲
- فرضیه ها: ۲
- سابقه و پیشینه ی تحقیق ۲
- ضرورت انجام تحقیق: ۳
- فصل اول: کلیات ۴
- ۱-۱-۱. تعریف واژگان ۵
- ۱-۱-۱. تعریف لغوی واصطلاحی ولایت ۵
- ۱-۱-۲. ارکان ولایت ۸
- ۱-۱-۳. اقسام ولایت ۸
- ۱-۱-۴. اصل عدم ولایت: ۱۰
- ۱-۱-۵. اسقاط یا انتقال ولایت و عدم آن ۱۱
- ۱-۱-۷. تعریف لغوی و اصطلاحی فقه ۱۳
- ۱-۱-۸. زوج و زوجه ۱۳
- ۱-۱-۹. اولاد(فرزندان) ۱۴
- ۱-۲. واژه های مرتبط با بحث ۱۵

- ۱-۲-۱. اذن ۱۵
- ۱-۲-۲. اجازه: ۱۷
- ۱-۲-۳. فرق اذن و اجازه ۱۷
- ۱-۲-۴. حضانت ۱۸
- ۱-۲-۵. ریاست وقوامیت ۱۹
- فصل دوم: ریاست و وقوامیت شوهر ۲۲
- ۱-۲. مقدمه ۲۳
- ۲-۲. مستندات فقهی ریاست و وقوامیت شوهر ۲۳
- ۱-۲-۲. آیات قرآن ۲۴
- ۱-۲-۲-۱. آیه ۳۴ سوره نساء ۲۴
- ۱-۲-۲-۱-۱. بررسی آیه (الرجال قوامون...) ۲۵
- ۱-۲-۲-۲. آیه ۲۲۸ بقره ۳۶
- ۲-۲-۲. روایات ریاست وقوامیت شوهر: ۳۷
- ۱-۲-۲-۲. قوامیت مردان ۳۷
- ۲-۲-۲-۲. اطاعت زن از شوهر ۳۸
- ۲-۲-۳. جهاد زن خوب شوهرداری کردن: ۴۰
- ۲-۲-۵. دلالت روایات ۴۲
- ۳-۲-۲. اجماع ۴۳
- ۴-۲-۲. حدود ریاست شوهر ۴۳
- ۱-۴-۲-۲. حوزه اعتقادی و دینی ۴۴

- ۴۴روزه مستحبی ۱-۱-۴-۲-۲
- ۴۹اعتکاف ۲-۱-۴-۲-۲
- ۵۱ حج مستحبی : ۳-۱-۴-۲-۲
- ۵۴نذر زوجه ۴-۱-۴-۲-۲
- ۵۴مستند حکم فقها در توقف نذر زوجه بر اذن زوج و اشکال آن: ۴-۱-۴-۲-۲
- ۵۸حوزه اقتصادی و مالی ۲-۴-۲-۲
- ۶۲حوزه غیراقتصادی و غیر مالی ۳-۴-۲-۲
- ۶۳خروج زن از منزل ۱-۳-۴-۲-۲
- ۶۵روایات خروج زن از منزل ۱-۱-۳-۴-۲-۲
- ۶۷اقوال در مساله : ۲-۱-۳-۴-۲-۲
- ۶۷در باره خروج از منزل سه نظریه وجود دارد :
- ۶۸(۱)نظریه مشهور درمورد خروج از منزل :
- ۷۲سفر زوجه ۲-۱-۳-۴-۲-۲
- ۷۳اشتغال زوجه ۲-۳-۴-۲-۲
- ۷۴تنبیه بدنی ۳-۳-۴-۲-۲
- ۸۰شرایط ریاست وقوامیت شوهر ۵-۲-۲
- ۸۰اهلیت ۱-۵-۲-۲
- ۸۰بلوغ ۱-۱-۵-۲-۲
- ۸۱عقل ۲-۱-۵-۲-۲
- ۸۲رشد ۳-۱-۵-۲-۲

- ۸۳ ۲-۵-۲. قدرت و توانمندی
- ۸۵ ۳-۵-۲. شایستگی اخلاقی
- ۸۶ ۶-۲-۲. عوامل سقوط ریاست و اذن شوهر
- ۸۶ ۱-۶-۲. ترک منزل در صورت وجود خطر یا حرج
- ۸۷ ۲-۶-۲. مجبور بودن زن برای کار جهت اداره ی زندگی :
- ۸۷ ۳-۶-۲. انجام واجبات
- ۸۸ ۴-۶-۲. ارتداد یا کفر شوهر
- ۸۹ فصل سوم : ولایت پدر بر فرزندان
- ۹۰ ۱-۳. مقدمه
- ۹۰ ۲-۳. ادله و مستندات ولایت پدر:
- ۹۱ ۱-۲-۳. آیات قرآن در مورد ولایت پدر:
- ۹۲ ۲-۲-۳. روایات ولایت پدر :
- ۹۳ ۳-۲-۳. اجماع
- ۹۴ ۳-۳-۳. اقسام مولی علیه
- ۹۵ ۱-۳-۳. صغیر و صغیره
- ۹۵ ۲-۳-۳. جنون متصل به صغر:
- ۹۶ ۳-۳-۳. سفه متصل به صغر :
- ۹۶ ۴-۳. ولایت در امور مجنون و سفیه
- ۹۷ ۱-۴-۳. قلمرو ولایت پدر بر فرزندان
- ۹۷ ۲-۴-۳. ولایت بر امور مالی

- ۱۰۱ ۳-۴-۳. اخذ اجرت از اموال مؤلی علیه
- ۱۰۳ ۳-۴-۴. ولایت در امور غیر مالی
- ۱۰۳ ۳-۴-۴-۱. ولایت در نکاح صغیر یا صغیره
- ۱۰۸ ۳-۵-۵. تزویج ولی بدون لحاظ مهرالمثل
- ۱۱۰ ۳-۵-۱. ولایت در نکاح سفیه
- ۱۱۰ ۳-۵-۲. ولایت در نکاح مجنون دائمی
- ۱۱۱ ۳-۵-۳. ولایت در نکاح مجنون ادواری
- ۱۱۱ ۳-۵-۴. ولایت در نکاح باکره ی رشیده
- ۱۱۲ ۳-۵-۵. عدم ثبوت ولایت مطلق
- ۱۱۲ ۳-۵-۵-۱. ادله و مستندات
- ۱۱۲ ۳-۵-۵-۱-۱. آیات قول عدم ثبوت ولایت مطلق :
- ۱۱۳ ۳-۵-۵-۱-۲. روایات قول عدم ثبوت ولایت مطلق :
- ۱۱۵ ۳-۵-۵-۱-۳. اجماع در مورد قول عدم ثبوت ولایت مطلق :
- ۱۱۶ ۳-۵-۵-۱-۴. اصل عدم اشتراط اذن ولی :
- ۱۱۶ ۳-۵-۵-۱-۵. عقل
- ۱۱۷ ۳-۵-۵-۱-۶. ظلم و فساد در اجبار به ازدواج
- ۱۱۸ ۳-۵-۵-۲. اشتراک ولایت ولی و دختر
- ۱۱۹ ۳-۵-۵-۲-۱. ادله و مستندات
- ۱۱۹ ۳-۵-۵-۲-۱. جمع میان ادله
- ۱۲۰ ۳-۵-۵-۲-۲. روایات قول اشتراک ولایت ولی و دختر :

- ۱۲۱ ۳-۵-۶. ثبوت ولایت مطلق:
- ۱۲۲ ۳-۵-۶. ۱. ادله و مستندات
- ۱۲۲ ۳-۵-۶-۱-۱. آیات قول ثبوت ولایت مطلق:
- ۱۲۲ ۳-۵-۶-۱-۲. روایات قول ثبوت ولایت مطلق:
- ۱۲۳ ۳-۵-۶-۱-۳. استصحاب ولایت پدر وجد پدری:
- ۱۲۴ ۳-۵-۶-۱-۴. اعتبار حکمت
- ۱۲۵ ۳-۵-۷. استمرار ولایت ولی قهری در نکاح دائم و استقلال دختر در نکاح موقت.....
- ۱۲۶ ۳-۵-۷-۱. روایات قول ولایت ولی قهری در نکاح دائم و استقلال دختر در نکاح موقت:
- ۱۲۷ ۳-۵-۷-۲. جمع بین اخبار
- ۱۲۸ ۳-۵-۸. ولایت اولیای قهری در نکاح موقت و استقلال دختر در نکاح دائم.....
- ۱۳۱ ۳-۵-۸-۲. وضعیت نکاح باکره ی بالغه ی رشیده بدون اذن ولی.....
- ۱۳۲ ۳-۵-۸-۳. موارد سقوط ولایت ولی در امر نکاح دختر بالغه رشیده.....
- ۱۳۲ ۳-۵-۸-۳-۱. غیبت ولی.....
- ۱۳۳ ۳-۵-۸-۳-۲. عضل ولی.....
- ۱۳۴ ۳-۵-۹. ولایت بر یتیم.....
- ۱۳۵ ۳-۵-۹-۱. لزوم اجازه ی دختر باکره و یتیم.....
- ۱۳۶ ۳-۵-۱۰. ولایت بر پسر رشید.....
- ۱۳۷ ۳-۵-۱۱. حدود اختیارات ولی در باب طلاق.....
- ۱۳۹ ۳-۵-۱۱-۱. شرایط ولی.....

- ۱۴۰ ۱-۱-۱۱-۵-۳ اهلیت ولی
- ۱۴۰ ۲-۱-۱۱-۵-۳ اسلام ولی
- ۱۴۲ ۳-۱-۱۱-۵-۳ عدالت ولی
- ۱۴۳ ۱۲-۵-۳ سقوط ولایت ولی
- ۱۴۴ ۱-۱۲-۵-۳ فوت هر یک از دو ولی
- ۱۴۴ ۲-۱۲-۵-۳ جنون یا کافر شدن ولی
- ۱۴۵ ۳-۱۲-۵-۳ رفع صغر از صغیر و صغیره
- ۱۴۵ ۴-۱۲-۵-۳ ازدواج دوم دختر:
- ۱۴۶ نتایج کلی
- ۱۵۱ فهرست منابع

مقدمه

از آن جا که خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است، طبیعی است که - مانند یک اجتماع بزرگ - رهبری و سرپرستی واحدی را می‌طلبد. بنابراین، این مسئولیت از جهاتی و به لحاظ خصوصیتی که در مردان وجود دارد، نظیر غلبه‌ی قدرت تفکر مرد بر نیروی عاطفه و احساسات او، داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر در جهت دفاع از حریم خانواده، تعهد مالی در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداخت هزینه‌های زندگی، به عهده‌ی مرد گذاشته شده است. این سرپرستی در مورد فرزندان به ولایت و در مورد همسر به قوامیت و ریاست شوهر تعبیر شده است که در این پایان نامه درصدد تبیین معنا و مفهوم و بررسی قلمرو آن می‌باشیم.

بیان مسأله :

مسأله‌ی ولایت و سرپرستی مرد بر همسر و فرزندان از جمله مباحث مهمی است که در فقه و حقوق بسیار مورد توجه قرار گرفته و آیات و روایات بسیاری بر آن دلالت می‌کند. ولایت و ریاست مرد از اصول شرع، عرف و فرهنگ در طول تاریخ بشر بوده و یک امر فطری است که سنگ زیر بنای پیدایش و بقای خانواده به عنوان هسته جامعه و مدنیت می‌باشد. و در فقه در مورد همسر لفظ ریاست و قوامیت و در مورد فرزندان لفظ ولایت به کار رفته است. مبانی فقهی زیادی از آیات و روایات وجود دارد که این موضوع را تبیین می‌کند. یکی از مهم‌ترین این آیات (آیه ۳۴ سوره نساء "الرجال قوامون علی النساء") است. با این وجود ولایت مرد حدود و قلمرو خاصی دارد که باید به خوبی تبیین گردد و در مواردی این ریاست و ولایت از مرد ساقط می‌شود. مسأله‌ی مهم دیگر ولایت پدر بر دختر باکره‌ی رشیده می‌باشد که در این زمینه اقوال مختلفی وجود دارد و یکی از مسائل مهم فقهی در جامعه است که فتوادادن در آن به خاطر مسأله فروج و نسل مشکل می‌باشد. بنابر این در این تحقیق بر آنیم که ریاست و ولایت زوج بر همسر و فرزندان را تبیین و سپس به ذکر شرایط آن بپردازیم و قلمرو و محدوده‌ی آن را در خانواده از نظر فقهی بررسی کنیم.

سؤالات تحقیق:

سؤال اصلی:

۱. قلمرو فقهی ولایت زوج بر همسر و فرزندان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. دلیل ریاست وقوامیت زوج بر زوجه چیست؟
۲. دلیل ولایت پدر بر فرزندان چه می باشد؟
۳. شرایط ولایت زوج بر همسر و فرزندان چیست؟
۴. در چه مواردی ولایت زوج از همسر و فرزندان ساقط می شود؟
۵. ولایت پدر شامل کدام دسته از فرزندان می شود؟

فرضیه ها:

۱. زوج در قلمرو و محدوده‌ی خاصی حق اعمال ولایت بر همسر و فرزندان را دارد و قلمرو ولایت او بر زوجه محدودتر از ولایت بر فرزندان است.
۲. ادله‌ی زیادی از قرآن و سنت بر ولایت و وقوامیت زوج بر زوجه دلالت دارد که از آن جمله می توان به آیه ۳۴ سوره نساء یعنی "الرجال قوامون علی النساء" اشاره کرد.
- ۳ مستندات از قرآن و روایات وجود دارد که ولایت پدر بر فرزندان را اثبات می کند.
۴. مرد برای ولایت و سرپرستی بر همسر و فرزندان باید واجد بعضی شرایط از جمله اسلام و اهلیت باشد.
۵. موارد زیادی وجود دارد که در آنها، ولایت زوج بر همسر و فرزندان ساقط است از جمله انجام واجبات و ترک محرمات.
۶. ولایت پدر شامل فرزندان محجور خانواده از جمله دختر و پسر صغیر، مجنون و سفیه می شود و در مورد ولایت بر دختر باکره‌ی رشیده بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

سابقه و پیشینه‌ی تحقیق

مطالبی در مورد قلمرو فقهی ولایت زوج بر همسر و فرزندان، در کتب فقهی به طور پراکنده آمده است و هم چنین مقالات و تحقیقاتی در ارتباط با این موضوع وجود دارد به برخی از جنبه‌های آن پرداخته‌اند و تحقیق مستقلی که به تمام زوایای این موضوع از نظر فقهی پرداخته باشد، وجود ندارد. و بیشتر در این تحقیقات به جنبه‌های حقوقی و تحلیل مواد قانونی که در

این زمینه وجود دارد و البته از فقه منبعث شده است، پرداخته‌اند. برخی از آنها عبارت‌اند از: مقاله ریاست مرد در رابطه زوجیت از محمد مهدی مقدادی و پایان نامه‌ای با عنوان ریاست مرد بر خانواده در حقوق خانواده و فقه امامیه از حمیده حسینی ولی پایان نامه‌ای که به طور مبسوط ولایت زوج بر همسر و فرزندان و بررسی فقهی قلمرو و شرایط آن را به طور دقیق مورد بررسی قرار داده باشد به چشم نمی‌خورد که انشا الله در این پایان‌نامه به آن پرداخته خواهد شد.

ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به این که خانواده از نهادهای مهم اجتماعی است که نقش مهمی در تعالی اجتماع دارد و ولایت مرد زیر بنای پیدایش و بقای خانواده می‌باشد که مبانی فقهی بر آن اشاره دارد و از طرف دیگر این ولایت در قلمرو و حدود خاصی در فقه مطرح شده است و شرایط خاصی دارد و در موارد خاصی این ولایت ساقط می‌شود و آگاهی از این امور برای اعضای خانواده در جهت انجام وظایف مربوط به خود در جهت رشد و تعالی خانواده و دوری از اموری که باعث مشکلات عدیده و فروپاشی آن می‌شود، واجب است و هم چنین از این جهت که این موارد از نظر شرعی و قانونی هم مطرح می‌باشد و بر آنها ثواب و عقاب در نظر گرفته شده است ضرورت آگاهی از این امور و انجام تحقیق در این زمینه مشخص می‌شود.

فصل اول: کلیات

قبل از شروع بحث قلمرو فقهی ولایت زوج بر زوجه و فرزندان، ابتدا باید بامعانی لغوی و اصطلاحی برخی واژه‌های اصلی و فرعی که در این پایان نامه استفاده شده است، آشنا شویم تا در خلال بحث برای خواننده مشکلی از جهت معنی و مفهوم کلمات به وجود نیاید. کلماتی که در صدد معنا و مفهوم شناسی آن هستیم در ذیل به طور خلاصه آمده است:

۱-۱. تعریف واژگان

۱-۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی ولایت

الف) معنای لغوی ولایت

ولایت، از ریشه و-ل-ی مشتق شده است. معنای این لغت که به صورت‌های مختلفی همچون ولی، مولی، اولی الامر، اولیاء، موالات، ولاء، به کار رفته است. همچنان که راغب در مفردات گفته است: قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در میان نباشد؛ یعنی اگر دو چیز، آن چنان به هم متصل باشند که هیچ چیز دیگر در میان نباشد، ماده (ولی) استعمال می‌شود.^۱

مثلاً: اگر چند نفر پهلوی هم نشسته باشند و ما بخواهیم وضع ترتیب آن دو را بیان کنیم می‌گوییم زید در صدر مجلس نشسته است و (ویلیه عمرو) یعنی بلافاصله کنار زید عمرو نشسته است. بنابراین این کلمه به معنای قرب و نزدیکی به کار رفته است. اعم از قرب مکانی و معنوی.^۲

۱. حسین بن محمد بن مفضل راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول (بی‌جا: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه.ق)، ص ۵۳.

۲. علیرضا جالی تهرانی، ولایت فقیه در عصر غیبت، چاپ اول، (بی‌جا: انتشارات نبوغ، ۱۳۷۹)، ص ۸۱.

ولایت، به کسر و فتح واو تلفظ می‌شود. ولایت - به فتح واو- مصدر و به معنی نصرت و ربوبیت است و ولایت به کسر واو اسم و به معنای فرمانروایی و امارت می‌باشد.^۱

معانی ولایت، عبارت است از: نصرت و یاری، محبت، تصدی امر، تسلط، سیطره، سلطنت، امارت، ریاست و سرپرستی. در هر یک از این چند معنا، نوعی اتصال، مباشرت و قرابت به چشم می‌خورد. ، معانی متعدد و به تعبیر بهتر موارد استعمال متعدد را باید از قرائن لفظی و حالی به دست آورد.

ب) ولایت در اصطلاح فقه

ولایت در اصطلاح فقه، عبارت است از سرپرستی دیگران که با عقل و شرع ثابت شده است. این سرپرستی ممکن است تنها بر شخص یا مال او یا بر هر دو مورد باشد، خواه ولایت اصلی یا عارضی باشد.^۲

در اصطلاح حقوقی، ولایت عبارت است از سلطه و اقتداری که قانون به جهتی از جهات به کسی می‌دهد که امور مربوط به غیر را انجام دهد و کسی که این سمت را دارد ولی نامیده می‌شود.^۳

تعاریف زیادی برای ولایت در اصطلاح فقها ذکر شده که سه نمونه از آنها را ذکر می‌کنیم:

«الولاية تنفيذ قول الغير شاء او ابى»^۴

ترجمه: ولایت نافذ بودن سخن کسی بر دیگری است، اعم از این که دیگری بپذیرد یا نپذیرد .

۱. جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور، *لسان العرب*، (قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق)، ج ۱۵، ص ۴۰۷.

۲. محمد بحر العلوم، *بلغة الفقیه*، چاپ چهارم، (تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ق)، ج ۳، ص ۲۱۰.

۳. سیدحسن امامی، *حقوق مدنی*، (بی‌جا: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸)، ج ۵، ص ۲۱۳.

۴. محمد امین بن عابدین، *حاشیه رد المحتار علی الدرر المختار*، (بیروت: دارالفکر، بی تا)، ج ۳، ص ۵۵.

همچنین گفته شده است: «ان الولایه فی الاصطلاح الشرعی هی سلطه شرعیة یتمکن بها

صاحبها من انشاء العقود والتصرفات و تنفیذها الی ترتیب الاثار الشرعیه علیها»^۱

ترجمه: ولایت در اصطلاح شرعی، سلطه شرعی است که صاحبش می‌تواند با آن به انشای عقود پرداخته و در آنها تصرف کرده و آنها را تنفیذ کند، تا آثار شرعیه بر آن عقود مترتب شود.

با دقت در این تعاریف می‌توان گفت که اینها در معنی به هم نزدیک هستند و از لحاظ مصداقی شامل پدر و جد پدری و وصی این دو می‌شوند؛ اما ولایت حاکم (فقیه جامع الشرایط) را شامل نمی‌شوند. زیرا ولایت حاکم عام است و جمیع امور مالی، اجتماعی، سیاسی و مصالح دنیوی و اخروی را شامل می‌شود، حال آنکه این تعاریف سه‌گانه، فقط حاوی ولایت در امور شخصی و مالی است.

محقق نایینی می‌فرماید: ولایت عبارت از ریاست بر مردم در امور دینی و دنیایی و معاش آنان است.^۲ روشن است که مقصود محقق نایینی از این عبارت ولایت حاکم است که شامل ولایت پدر و جد و مانند اینها نمی‌شود؛ زیرا ولایت پدر و جد شامل جمیع امور مولی‌علیه نمی‌شود پس بهتر آن است که مانند محقق اصفهانی ولایت را اینگونه تعریف کرد: «فالولایه حقیقتها کون زمام امور شیء بید شخص، من ولی الامر ولیه»^۳

ترجمه: حقیقت ولایت این است که زمام امور چیزی در دست کسی باشد، شخصی که کاری را به عهده دارد و آن را سرپرستی می‌کند.

بنابراین وقتی گفته شود ولی یتیم، ولی کشته شده، ولی زن؛ یعنی کسی که به کارهای آنها و امورشان رسیدگی می‌کند. پدر بر فرزندان، بخصوص دختران ولایت دارد؛ یعنی تصمیم‌های وی برای آنان با ضوابط شرعی لازم الاجراء است و در مواردی که ولایت دارد به جای آنان تصمیم می‌گیرد یا وقتی گفته می‌شود حاکم بر مردم ولایت دارد یعنی در مسائل سیاسی و اجتماعی که مربوط به مردم است تصمیم می‌گیرد اگرچه برخی ناخرسند می‌شوند.

۱. وهبه الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، (بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ه ق)، ج ۴، ص ۱۳۹.

۲. میرزا محمد حسین نایینی، المکاسب والبیع، (قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ه ق)، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳. محمد حسین اصفهانی، حاشیه کتاب مکاسب، (بی‌جا: المطبعه علمیه، ۱۴۱۸ ه ق)، ج ۲، ص ۳۷۹.

بدیهی است که این تصمیم‌ها لازم است در جهت مصلحت فرد یا جامعه باشند. بنابراین ولایت، حق امر و نهی است و لازمه آن اجرای دستورات ولی و صاحب ولایت از سوی فرد و مردم است. مقصود از لفظ ولایت در این پژوهش سرپرستی و ریاست مرد بر همسر و فرزندانش می‌باشد و اقسام دیگر ولایت همچون ولایت حاکم را شامل نمی‌شود.

۱-۱-۲. ارکان ولایت

در ولایت سه رکن قابل تصور است. این جوانب را می‌توان ارکان ولایت نامید. چرا که بدون این ارکان ولایت شرعی محقق نمی‌شود. این ارکان عبارت است از:

اول: ولی: فردی که از جانب شارع ولایت (شارع) تصدی و قیام به شئون غیر به او تفویض شده است، ولی نام دارد و جمع آن اولیاء است.

دوم: مولی علیهم: افرادی که شرعا تصرف تصدی و قیام به شئون آنها از جانب شارع به ولی واگذار شده و تحت ولایت او هستند، (مولی علیهم) خوانده می‌شوند.

سوم: حوزه ولایت: محدوده‌ای که مولی علیهم در آن فاقد اهلیت تصرف هستند و ولی از جانب شارع حق تصرف و تدبیر امور مولی علیهم را دارد، حوزه ولایت خوانده می‌شود.^۱

۱-۱-۳. اقسام ولایت

ولایت شرعی از جهت‌های مختلف قابل تقسیم است که چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

الف) ولایت قهری یا اختیاری:

در هر دو قسم ولایت، رضایت مولی علیه شرط نیست، بلکه در ولایت قهری رضایت ولی هم شرط نیست. ولایت پدر و جد پدری، اولیای میت، اولیای دم، ولایت پسر بزرگ در فوت پدر موارد مختلف ولایت قهری هستند که رضایت ولی و مولی علیهم در آنها شرط نیست.

۱. میر عبدالفتاح، حسینی مراغی، **العناوین**، چاپ اول، (قم: موسسه نشر اسلامی وابسته جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ ق)، ج ۲، ص ۵۵۶.